اعتبارسنجی الصحیفة السجادیة

احمد غلامعلی[1]

چکیده

صحیفه سجادیه، مشهورترین میراث حدیثی اهل‌بیت ـ علیهم‌السلام ـ است که برخی سند آن را متواتر خوانده‌اند. با وجود این ادعا، در موضوعات همسو با آن، در کتاب‌های فقهی کمتر به صحیفه سجادیه استناد شده است. مسأله اصلی در چگونگی پدید آمدن ادعای تواتر صحیفه سجادیه است. حقیقت، آن است که ادعای تواتر صحیفه با معیارهای دانش رجال سازگار نیست، ولی گردآوری قراین گوناگون، به ویژه در نگاه فهرستی و طریق به کتاب، بیان‌گر اعتماد به صدور صحیفه سجادیه‌ای است که به عنوان صحیفه کامله سجادیه نامبردار است. نوشتار حاضر، ارزیابی رجالی برای اعتماد به میراث مکتوب را ناکارآمد می‌داند و با فراهم آوردن قرینه‌هایی، اطمینان عرفی به این کتاب را ثابت می‌کند. دستاورد این پژوهش آن است که نام بردن راویان و ذکر طریق در میراث کتاب‌های مشهور از باب تیمن و تبرک است و مسند بودن دسترسی به کتاب را نشان می‌دهد و ناشناخته بودن برخی راویان خللی بر میراث مکتوب وارد نمی‌کند. البته قرینه‌هایی مانند وجود سندهای متفاوت برای برخی از دعاها، وجود روایت‌های پنج‌گانه صحیفه و نیز طریق زیدیه تا اندازه‌ای ضعف سندی صحیفه سجادیه را جبران می‌نماید.

کلید واژه‌ها: اعتبار صحیفه سجادیه، روایات صحیفه، ارزیابی فهرستی، ارزیابی رجالی.

درآمد

صحیفه سجادیه یکی از مشهورترین کتاب‌های شیعی است که از دیرباز در میراث حدیثی شناخته شده است. این کتاب پیش از این با نام‌های «صحیفهٔ عتیقة»،[2]

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف، گرایش قرآن و متون، دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. *الامالی*، مفید، ص۲۳۹، ح۳.

«الکامل»،[3] «دعاء الکامل»[4] و «دعاء الصحیفة»[5] در میان فهرست‌نگاران شناخته می‌شده و عنوان «الصحیفة الکاملة» در روایتِ بلخی از ابن اعلم آمده است.[6] ابن شهرآشوب در قرن ششم نیز از همین تعبیر استفاده کرده است.[7] صحیفهٔ سجّادیه در گذر زمان به «زبور آل محمّد»[8] و «انجیل اهل بیت»[9] مشهور شده است. زبور حضرت داوود به سبک دعا و دارای کلمات آهنگین بوده است. شباهت صحیفه به انجیل هم در محتوای حکمت‌آموز آن است. شهرت این کتاب و محتوای ژرف آن سبب شده است که برخی عالمان، با ادعای تواتر صحیفه، بررسی‌های رجالی درباره آن را مسکوت بگذارند؛[10] اما حقیقت، آن است که با وجود شمارش اسناد فراوان برای صحیفه سجادیه،[11] از نظرگاه دانش مصطلح الحدیث، سند صحیفه را نمی‌توان متواتر خواند؛ زیرا فراوانی راویان در همه طبقات مشاهده نمی‌شود و راویان دو طبقه اول به یک پدر و پسر به نام‌های: متوکل بن هارون و عمیر بن متوکل منحصر است. بنا بر این، سند این کتاب در زمره خبر واحد قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر، مطالعه و بررسی سند صحیفه سجّادیه از نگاه پژوهشگران پوشیده نمانده و خوشبختانه، آثار گران‌بهایی در این زمینه منتشر شده است.[12] البته در این آثار بیشتر به توضیح طریق صحیفه کامله و معرفی افراد واقع در سند و نیز برطرف کردن برخی ابهامات در خصوص «حدثنا» در ابتدای سند پرداخته شده است و سپس دیدگاه‌های برخی عالمان ـ که سند صحیفه را متواتر خوانده‌اند ـ منعکس شده است. بی‌تردید، ادعای تواتر عالمان باید با شاخصه‌های شناخته شده تواتر سازگار باشد؛ در غیر این

---

۳. این عنوان را آقای حسینی جلالی در *دراسة حول الصحیفة*، ص۱۰، به نقل از *رجال الطوسی* (ص۲) آورده است که یافت نشد. البته در ابتدای نسخه قدیمی صحیفه‌ای که در آستان قدس یافت شده است، چنین آمده است: «کِتَابُ الدّعَوَاتِ مِنْ قِیلِ عَلِی بْنِ الْحُسَینِ، جَدّ جَعْفَرِ بْنِ مَحَمّدٍ الصّادِقِ - رحمة الله عَلَیهِ - وَ یسَمّی کِتَابَ الْکَامِلِ لِحُسْنِ مَا فِیهِ مِنَ الدّعَوَاتِ. وَ الأَصْلُ لأَبِی عَلِی الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمّدٍ الزّامِی الْهَیصَمِی أَسْعَدَهُ اللهُ».

۴. *رجال الطوسی*، ص۴۱۲، ش۵۹۶۴.

۵. *رجال النجاشی*، ج۱، ص۴۲۶؛ *الفهرست* (طوسی)، ج۱، ص۴۷۷؛ *رجال الطوسی*، ج۱، ص۴۳۴.

۶. *الصحیفة السجّادیة*، ص۷.

۷. *مناقب آل ابی طالب*، ج۳، ص۲۷۹؛ *معالم العلماء*، ص۳۸.

۸. *معالم العلماء*، ص۱۶۰، ش۸۴۷.

۹. همان، ص۱۶۶، ش۸۸۶.

۱۰. *بحار الانوار*، ج۱۱۰، ص۶۱ و ص۹۵؛ *شرح الصحیفه*، ص۴۵.

۱۱. *بحار الانوار*، ج۱۱۰، ص۶۱.

۱۲. ر.ک: *الصحیفة السجادیّة الجامعة*، ص۶۲۷ - ۷۲۶؛ *الرسائل الرجالیة*، ص۵۵۹ - ۶۲۵؛ «اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله»، ص۲۶.

صورت، تنها گفتاری از سوی عالمان در تأیید کتاب است و بس.

مسأله‌ای که در این نوشتار در پی حل آن هستیم، اعتبارسنجی صحیفه سجادیه از طریق فراهم آوردن قرینه‌های رجالی و فهرستی است. استفاده صحیح از قرینه‌ها اگر چه نمی‌تواند سند صحیفه را متواتر نشان دهد، ولی شهرت کتاب صحیفه سجادیه را می‌نمایاند و اطمینان عرفی به صدور این کتاب را از امام سجاد ـ علیه السلام ـ نشان می‌دهد؛ چرا که از منظر دانش مصطلح الحدیث و ارزیابی رجالی، وجود برخی افراد نظیر ابو المفضل شیبانی در سلسله سند انتقال صحیفه، سبب ضعیف شمردن سند خواهد شد، ولی چنان‌چه با نگاه فهرستی به انتقال صحیفه سجادیه بپردازیم، راوی در اوج ضعف می‌تواند در انتقال میراث حدیثی امانت‌دار باشد. این مقاله نمونه‌ای از ارزیابی فهرستی و رجالی و تحلیل روشمند در باره وثوق به متون کهن است. از آنجا که متن در دسترس عموم علاقه‌مندان به ادعیه امام سجاد ـ علیه السلام ـ متن صحیفه کامله سجادیه (صحیفه مشهور) است، در این نوشتار ابتدا به معرفی صحیفه کامله سجادیه می‌پردازیم و سپس اعتبار آن را از دو دیدگاه رجالی و فهرستی بر می‌نماییم.

صحیفهٔ مشهور

صحیفه سجادیه کامله، مجموعه ۵۴ دعایی است که ابن سکون و یا عمید الرؤساء، از عالمان قرن ششم، با سلسله سند متصل از ابو المفضل شیبانی، روای سرشناس قرن سوم، گزارش کرده است. صحیفه‌ای که امام سجاد ـ علیه السلام ـ برای دو فرزندش امام باقر ـ علیه السلام ـ و زید بن علی به یادگار نهادند، ۷۵ دعا داشته است که نخستین راوی صحیفه جناب متوکل بن هارون ۶۴ دعای آن را رونویسی کرده است.

صحیفه ۶۴ دعایی متوکل بن هارون در اختیار فرزندش عمیر بن متوکل قرار گرفته و او صحیفه را برای شماری از راویان حدیث بیان کرده است. مهم‌ترین کسانی که نامشان به عنوان راوی عمیر بن متوکل آمده است، عبارت‌اند از:

۱. احمد المطهر که برای فرزندش «محمّد بن احمد» روایت کرد و روایت او، «ابن مطهر» یا «مطهری» نام دارد.

۲. علی بن النعمان الاعلم؛ روایت «ابن اعلم» و یا روایت «اعلمی» مشهور است.

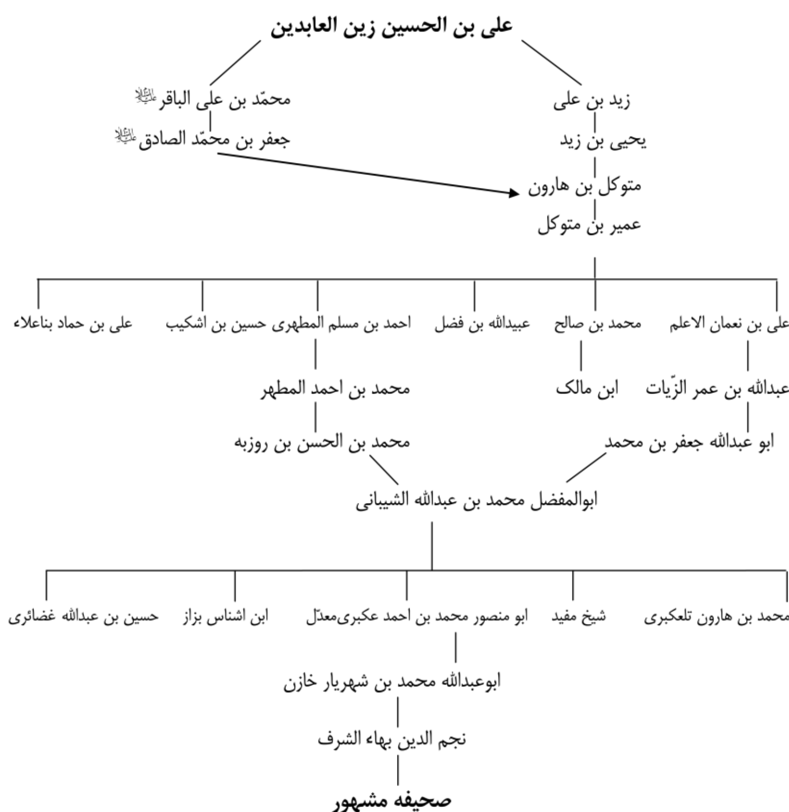
۳. محمّد بن صالح که برای احمد بن عبدالله و او برای علی بن مالک روایت کرد. روایت «ابن مالک» نامیده می‌شود.

۴. «عبید الله بن فضل»؛ روایت «ابن فضل».

۵. حسین بن اشکیب؛ روایت «ابن اشکیب».
۶. علی بن حماد بن العلاء؛ روایت ابن حماد.

أبو المفضل محمّد بن عبد الله بن عبد المطلب شیبانی (متولد ۲۹۷)،[۱۳] با فراهم آوردن روایت اعلمی و روایت مطهری، صحیفهٔ سجّادیه‌ای را پدید آورد که با استقبال عالمان رو به رو شد و تا کنون شرح‌ها و ترجمه‌های گوناگونی برای آن نوشته شده است. مراد ما در این نوشتار از صحیفه مشهوره یا صحیفه کامله سجادیه، صحیفه‌ای است که شیبانی فراهم آورده است. راویانی که از ابو الفضل محمّد بن عبد الله شیبانی، صحیفه را روایت کردند، عبارت‌اند از: شیخ مفید، محمّد بن هارون تلعکبری، محمّد عکبری، ابن اشناس بزاز و حسین بن عبید اله غضایری.

در اینجا نموداری از راویان صحیفه مشهور را ارائه می‌دهیم و سپس وثاقت برخی از راویان را بررسی می‌نماییم.



۱۳. *الفهرست* (طوسی)، ص۴۰۱، ش ۶۱۱؛ *رجال ابن الغضائری*، ص۹۸ ـ ۹۹؛ *رجال ابن داود*، ص۵۰۶، ش۴۴۸.

بررسی رجالی صحیفهٔ مشهور

خبر، به دو دسته متواتر و واحد تقسیم می‌شود. راه ارزشیابی خبر واحد، بررسی تک تک راویان است. اگر همه راویان شرایط صحت را داشته باشند، خبر صحیح[۱۴] نامیده می‌شود و چنانچه حتّی یکی از راویان شرایط صحّت حدیث را به دست نیاورد، حدیث را نمی‌توان صحیح خواند. در این صورت، بنا بر شرایط جدید، حدیث به یکی از سه دستهٔ حسن،[۱۵] موثق[۱۶] و یا ضعیف[۱۷] تبدیل خواهد شد.

در بارهٔ سند صحیفهٔ سجّادیه دو نظریه وجود دارد: متواتر و خبر واحد.

بررسی تواترسند صحیفه سجّادیة

اهتمام عالمان دینی به نقل صحیفهٔ سجّادیة و فراگیری صحیفه سبب شد تا برخی دانشمندان اسناد صحیفه را متواتر بدانند. علّامه محمّد تقی مجلسی، اسانید صحیفه را ۵۶۱۰۰ سند[۱۸] شمرده است.[۱۹] بدیهی است که مراد ایشان از اسناد، مجموعه اجازاتی است که عالمان برای روایت کردن صحیفه سجادیه به شاگردان خود در طول قرون متمادی داده‌اند. این گونه سندها در تمام طبقات یکسان نیستند. در برخی طبقات، راویان بسیاری حدیث را نقل می‌کنند؛ حال آن که در برخی طبقات دیگر تنها یک راوی آن را نقل کرده است. میر داماد، دیگر عالم نامدار دوران صفوی، سند صحیفه را متواتر خوانده است.[۲۰]

نقد

متواتر به خبری گویند که تعداد راویان آن در هر طبقه به اندازه‌ای برسد که احتمال هم‌داستانی آنان برکذب عادتاً محال باشد. در بارهٔ سند صحیفهٔ سجّادیه دست‌کم در دو

۱۴. صحیح: حدیث اتصل سنده الی المعصوم بنقل العدل الامامی عن مثله فی جمیع الطبقات (*الرعایة فی علم الدرایة*، ص۶۶).

۱۵. حسن: حدیث ما اتصل سنده إلی المعصوم علیه‌السلام بإمامی ممدوح، مدحاً مقبولاً معتمداً به، غیر معارض بذم من غیر نص علی عدالته (*دراسات فی علم الدرایة تلخیص مقباس الهدایة*، ص۲۸).

۱۶. موثق: ما اتصل سنده إلی المعصوم بمن نص الأصحاب علی توثیقه مع فساد عقیدته (همان، ص۳۰).

۱۷. ضعیف: و هو ما لم یجتمع فیه شروط أحد الأقسام السابقة (همان، ص۳۲).

۱۸. منظور، اشخاص متعدد ذکر شده در اجازات است. وقتی فردی در سلسله اسناد متفاوت از اسناد دیگر می‌شود، آن را یک سند جدید به شمار می‌آورند.

۱۹. *بحار الانوار*، ج۱۱۰، ص۶۱.

۲۰. *شرح الصحیفه*، ص۴۵.

طبقهٔ متوکل بن هارون و عمیر بن متوکل در تمامی روایات پنج‌گانه پیشین چنین اتفاقی نیفتاده است. بنا بر این، سند صحیفه را باید مفرد نامید. حال اگر سند «زبیدی» در *اتحاف السادة المتقین* و طریق زیدیه را ـ که از امیر ماجد حسینی دشتکی نقل شده است ـ هم بپذیریم، سند صحیفه، با اندکی تسامح، مستفیض خواهد بود. حقیقت، آن است که تاکنون نسخه‌ای از امیر ماجد دشتکی و زبیدی یافت نشده است. بنا بر این، ادعای استفاضه، دست کم برای همه ادعیه صحیفه، دشوار خواهد بود.

بررسی صحت سند صحیفهٔ سجّادیه

وقتی ادعای تواتر در سند صحیفهٔ سجّادیه پذیرفته نشود، باید خبر واحد بودن آن بررسی شود و دربارهٔ تک تک راویان تحقیق شود. سند ابتدای صحیفهٔ مشهوره چنین است:

حَدَّثَنَا (۱) السَّیدُ الْأَجَلُّ، نَجْمُ الدِّینِ، بَهَاءُ الشَّرَفِ، أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِی بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ یحْیی الْعَلَوِی الْحُسَینِی رَحِمَهُ اللهُ (۲)، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّیخُ السَّعِیدُ، أَبُو عَبْدِ اللهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرَیارَ (۳)، الْخَازِنُ لِخِزَانَةِ مَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ ـ عَلَیهِ السَّلَامُ ـ فِی شَهْرِ رَبِیعٍ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتَّ عَشْرَةَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قِرَاءَةً عَلَیهِ وَ أَنَا أَسْمَعُ. قَالَ: سَمِعْتُهَا عَنِ الشَّیخِ الصَّدُوقِ، أَبِی مَنْصُورٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ الْعُکبَرِی الْمُعَدِّلِ(۴) ـ رَحِمَهُ اللهُ ـ، عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّیبَانِی (۵)، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِیفُ، أَبُو عَبْدِ اللهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ ـ عَلَیهِمُ السَّلَامُ ـ (۶)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ خَطَّابٍ الزَّیاتُ (۷) سَنَةَ خَمْسٍ وَ سِتِّینَ وَ مِائَتَینِ، قَالَ: حَدَّثَنِی خَالِی عَلِی بْنُ النُّعْمَانِ الْأَعْلَمُ (۸)، قَالَ: حَدَّثَنِی عُمَیرُ بْنُ مُتَوَکلٍ الثَّقَفِی الْبَلْخِی (۹)، عَنْ أَبِیهِ مُتَوَکلِ بْنِ هَارُونَ (۱۰).

در این سلسله سند، ۱۰ راوی نام برده شده است و در آخر هم متوکل از یحیی بن زید و امام صادق ـ علیه السلام ـ صحیفه سجادیه را روایت کرده است. بنا بر این، به بررسی رجالی یازده راوی موجود در سند می‌پردازیم:

(۱) حدثنا: دو نفر را به عنوان گویندهٔ حدّثنا، نام برده‌اند: ابن سکون حلی،[۲۱] شاعر و ادیب قرن ششم[۲۲] (م۶۰۶ ق). شیخ حرّ عاملی او را فاضل، صالح، شاعر و ادیب معرّفی

۲۱. *ریاض العلماء*، ج۵، ص۳۰۹؛ *الذریعه*، ج۱۵، ص۸.

۲۲. سیوطی نام ابن سکون را آورده و او را بسیار مدح کرده است (ر.ک: *بغیة الوعاة*: ج۲، ص۱۹۹، ش۱۷۸۴؛ *خاتمة المستدرک*، ج۳، ص۵۲).

کرده است.[۲۳]

شیخ بهایی بر این باور بود که گویندهٔ حدّثنا ابن سکون است.[۲۴] و دیگری، عمید الرؤساء (م۶۱۰ق)[۲۵] هبة الله بن حامد، لغوی[۲۶] مشهور است. او را فاضل، جلیل، دارای کتاب،[۲۷] محقق، بارع، ضابط،[۲۸] ادیب و از بزرگان اصحاب دانسته‌اند.[۲۹] میر داماد[۳۰] و علی‌خان مدنی شیرازی،[۳۱] گویندهٔ حدّثنا را عمید الرؤساء دانسته‌اند. با توجّه به هم طبقه بودن ابن سکون و عمید الرؤساء، هر دو نفر را می‌توان به عنوان گویندهٔ حدّثنا، به شمار آورد؛ چنان که از برخی اجازه‌نامه‌ها برمی‌آید.[۳۲] به هر حال، گویندهٔ حدّثنا، هر یک از ایشان باشد، به اعتبارِ سند زیان نمی‌رساند؛ زیرا هر دو بزرگوار مدح شده‌اند.

(۲) بهاء الشرف: سیّد أجلّ نجم الدین أبو الحسن محمّد بن الحسن بن أحمد بن علی بن محمّد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی.

نخستین اسم ظاهری که در سند صحیفه بررسی می‌شود، بهاء الشرف از شخصیّت‌های قرن ششم است. وی از نوادگان امام سجّاد ـ علیه السلام ـ بود. جدّ اعلای وی «حسین، ذو الدمعة»، تربیت شدهٔ امام صادق ـ علیه السلام ـ بود[۳۳] و نزد ایشان جایگاه خاصی داشت. افزون بر ابن سکون و عمید الرؤساء، یازده تن از عالمان صحیفه را از بهاء الشرف نقل کرده‌اند که شاید در اعتماد افزایی به بهاءالشرف مؤثر باشد.[۳۴]

---

۲۳. *أمل الآمل*، ج۲، ص۲۰۳، ش۶۱۵.

۲۴. *ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیّد السّاجدین*، ج۱، ص۵۳.

۲۵. *الذریعه*، ج۱، ص۲۶۲.

۲۶. همان، ج ۱۸، ص۸۵؛ *معجم المؤلّفین*، ج۱۳، ص۱۳۶.

۲۷. *أمل الآمل*، ص۳۴۲، ش۱۰۵۳.

۲۸. در اجازه شهید ثانی به پدرِ شیخ بهایی: الشیخ الإمام المحقق الضابط البارع (*بحار الانوار*، ج۱۰۸، ص۱۵۸).

۲۹. *أمل الآمل*، ص۳۴۲، ش۱۰۵۳.

۳۰. *شرح الصحیفه*، ص۴۵.

۳۱. *ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیّد السّاجدین*، ج۱، ص۵۳.

۳۲. *بحار الانوار*، ج۱۱۰، ص۱۶۲ و ص۲۱۲، صورة اجازة کبیرة؛ نیز ر. ک: *ریاض العلماء*، ج۵، ص۳۰۹.

۳۳. *عمدة الطالب*، ص۲۶۱.

۳۴. کامل‌ترین فهرست راویان چنین است: ۱. محمّد بن جعفر مشهدی، مؤلف *المزار الکبیر* (تولد: حدود ۵۱۰)، ۲. جعفر بن علی بن جعفر مشهدی، ۳. هبة الله بن نما، ۴. جعفر بن ابی الفضل محمّد بن محمّد بن شعرة، ۵. ابو القاسم بن الزکی العلوی، ۶. ضیاء الدین ابو الفتح محمّد بن محمّد الحائری (ابن الجعفریّة)، ۷. سالم بن قبادویه (قبارویه)، ۸. عربی بن مسافر العبادی الحلّی، ۹. ابو طالب، حمزة بن محمّد بن احمد بن شهریار الخازن، ۱۰. محمّد بن ادریس الحلّی، ۱۱. نظام الشرف ابو الحسن بن العریض (*الصحیفه السجادیة الجامعة*، ص۶۱۳ ـ ۶۱۵؛ *خاتمة المستدرک*، ج۳، ص۵۱). محدث نوری نام محمّد بن جعفر مشهدی را نیاورده است؛ در حالی‌که ایشان هم

(۳) محمّد بن احمد بن شهریار (زنده در ۵۱۶ق)؛ ابو عبد الله محمّد بن احمد بن شهریار، فقیه و کتاب‌شناس قرن ششم هجری، از شاگردان شیخ طوسی و داماد وی بود. شیخ طوسی در زمان خود، مسؤولیت کتابخانه را به خاندان علمی آل شهریار سپرد و تا پایان قرن ششم، آل شهریار، متصدّی امور کتابخانه بودند.[۳۵] بهاء اشرف در سال ۵۱۶ق، صحیفه را از او شنیده است. در سلسلهٔ احادیث، از او با عنوان امین و خازن[۳۶] یاد شده است که بیان‌گر امانت‌داری و کتاب‌شناسی وی است. فهرست‌نگارِ خبیر، منتجب الدین، از او با عنوان فقیه صالح یاد کرده است.[۳۷]

(۴) ابو منصور محمّد بن احمد بن عبدالعزیز عُکبَری معدّل (م ۴۷۲ق)؛ ابو منصور معدّل، از شاگردان سیّد مرتضی[۳۸] و از مشایخ خطیب بغدادی بود.[۳۹] ابن اثیر[۴۰] و خطیب بغدادی او را صدوق معرفی کرده‌اند.

لقب معدّل بیان‌گر جایگاه اجتماعی و ویژگی شخصیّتی اوست؛ زیرا معدّل به کسی می‌گفتند که نزد همگان به عدالت وصف می‌شده است و قاضی شهر و یا خلیفه هرگاه عدالت شهود برایشان محرز نمی‌شد، به گفته معدّل مبنی بر عدالت شهود، اعتماد می‌کردند.[۴۱]

(۵) ابو المفضل محمّد بن عبد الله بن المطلب الشیبانی (۲۹۷ ـ ۳۸۷ق)؛ کوفی الاصل بود و سراسر عمرش را در سفرهای حدیثی گذراند[۴۲] و از مشایخ زیادی حدیث شنید. اساتید زیاد وی سبب شد تا ابو الفرج قنانی، از استادان نجاشی، کتاب *معجم الرجال أبی المفضل* را در بارهٔ استادان او نگاشت.

کتاب‌های فراوانی را برای شیبانی نام برده‌اند؛ از آن جمله کتاب‌های *المزار*، *فرائض*، *الولادات الطیّبة*،[۴۳] *مزار امیر المؤمنین*، *مزار الحسین*، کتاب *الدعاء*، کتاب *من روی حدیث*

مستقیماً از بهاء الشرف روایت شنیده است (رک: *بحار الانوار*، ج۱۰۹، ص۴۷).

۳۵. *ریاض العلماء*، ج۶، ص۲۲.

۳۶. *المزار*، ص۱۳۶؛ *التحصین*، ص۵۹۵.

۳۷. *الفهرست*، منتجب الدین، ص۱۱۲، ش۴۲۰.

۳۸. *خاتمة المستدرک*، ج۳، ص۴۹۰.

۳۹. *تاریخ بغداد او مدینة السلام*، ج۳، ص۲۳۹. خطیب، تاریخ تولد او را ۴۸۲ق، ذکر کرده است که به نظر می‌رسد تصحیف باشد و تاریخ تولد وی ۳۸۴ق، است و تاریخ وفات ۴۷۲ق.

۴۰. *الکامل فی التاریخ*، ج۱۰، ص۱۱۷.

۴۱. *تنقیح المقال*، ج۱، ص۲۱۸؛ *معجم مصطلحات الرجال و الدرایة*، ص۱۶۵.

۴۲. *رجال النجاشی*، ص۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

۴۳. *فهرست الطوسی*، ص۴۰۱، ش۶۱۱.

غدیر خم، کتاب *من روی عن زید بن علی بن الحسین*، کتاب *فضائل زید*، کتاب *الشافی فی علوم الزیدیة*، کتاب *اخبار أبی حنیفة* و کتاب *القلم*.[۴۴]

او را با عباراتی نظیر «حسن الحفظ»،[۴۵] «کثیر الروایة»[۴۶] و «سافر فی طلب الحدیث عمره»[۴۷] ستوده‌اند. عبارات تضعیف وی نیز کم نیست[۴۸] تا آن‌جا که به «وضع حدیث» هم متهم شد.[۴۹] البته عبارات ظاهراً متضاد رجالیان را می‌توان جمع‌بندی کرد. ابی المفضل هم‌چنان که نجاشی نوشته است، در ابتدا «ثابت» بود و سپس گرفتار «خلط» شد:

کان فی أول أمره ثبتاً ثم خلط.[۵۰]

«خلط» به معنای «درهم ریختگی» است و عنوان فراگیری است که بر «درهم آمیختن اعتقاد صحیح و فاسد»، «درهم ریختن روایات منکر و معروف»، «درهم آمیختن اسناد با یکدیگر» و «درهم بودن مطالب صحیح با غیر صحیح» دلالت می‌کند.[۵۱] ظاهراً در این‌جا مراد خلط مذهبی ابی المفضل است؛ زیرا آثاری مانند: *الشافی فی علوم الزیدیه*، کتاب *فضائل زید*، کتاب *من روی عن زید بن علی بن الحسین* و کتاب *أخبار أبی حنیفه* را نگاشته است.

نکته دیگر درباره ابو المفضل، عبارتی است که نجاشی درباره وی نوشته است:

رأیت هذا الشیخ و سمعت منه کثیراً، ثم توقفت عن الروایة عنه إلّا بواسطة بینی و بینه.[۵۲]

از عبارت نجاشی برمی‌آید که او احادیث زیادی از ابی المفضل شنیده است، ولی بدون واسطه از او حدیث نقل نمی‌کند. شاید دلیل این امر، احتیاط شدید نجاشی در رعایت فرایند تحدیث و اصول طبقات بوده باشد؛ زیرا وی در چهارده یا پانزده سالگی با ابی المفضل ملاقات کرده است و ملاقات در این سنین برای «سماع» مفید

۴۴ *رجال النجاشی*، ص۳۹۶، ش۱۰۵۹.
۴۵. *فهرست الطوسی*، ص۴۰۱، ش۶۱۱.
۴۶. همان‌جا.
۴۷. *رجال النجاشی*، ص۳۹۶، ش۱۰۵۹.
۴۸. همان‌جا؛ *رجال الطوسی*، ص۴۴۷، ش ۶۳۶۰.
۴۹. *رجال ابن الغضائری*، ص۹۸.
۵۰. *رجال النجاشی*، ص۳۹۶، ش۱۰۵۹.
۵۱. *معجم مصطلحات الرجال والدرایة*، ص ۱۵۱.
۵۲. *رجال النجاشی*، ص۳۹۶، ش ۱۰۵۹.

نیست.[53] از این روی، بدون واسطه از ابی المفضل روایت نقل نکرده است تا به تدلیس متهم نشود.

به هر حال، برای ابو المفضل توثیق صریحی نداریم، ولی نمی‌توان به کتاب‌های او هم بی‌اعتماد بود. اعتماد بزرگان به کتاب‌های ابی المفضل نشان‌دهندهٔ تفکیک میان شخصیّت رجالی و شخصیت فهرستی اوست.

شیخ طوسی در *الفهرست* بارها می‌نویسد: «بالاسناد الاول» یا «بهذا الاسناد» در بیشتر این موارد، نامِ ابی المفضل در مشایخ باواسطه شیخ طوسی قرار دارد.[54] طریق شیخ را به او صحیح دانسته‌اند.[55]

نمونهٔ دیگر از اعتماد بزرگان به أبی المفضل شیبانی، اعتماد به صحیفهٔ سجّادیه‌ای است که او روایت کرده است. شیخ مفید، محمّد بن هارون تلعکبری، أبو منصور معدّل، ابن اشناس بزاز و حسین بن عبید الله غضایری از عالمان شناخته شده‌ای هستند که همگی از ابی المفضل روایت کرده‌اند. بی‌تردید، همهٔ عالمان نام برده از نقل کردن روایت در ایّام «خلط» راوی پرهیز می‌کرده‌اند.

قرینهٔ دیگری برای پذیرش روایت ابی المفضل، تخصص او در نقل ادعیه و زیارات است؛ چنان که از آثار او برمی‌آید.[56] برای نمونه، دعای روز مباهله را تنها سیّد بن طاووس نقل کرده است که با اسناد صحیح و روایات صریح از کتاب المباهلة شیبانی آورده است.[57]

(۶) ابو عبدالله جعفر بن محمّد الحسنی (م۳۰۸ق)؛ شریف ابو عبدالله جعفر بن محمّد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن امیر المؤمنین علیه السلام. او از بزرگان اصحاب امامیه و چهرهٔ سرشناس آل ابوطالب در زمان خود بود. او را ثقه دانسته‌اند که عمری طولانی داشت و احادیث بسیاری شنید و عالی السند است.[58]

جعفر بن محمّد در میان سنیان نیز ستوده شده است و او را «فاضل»، «ورع» و «عاقل» معرفی کرده‌اند که احادیث بسیاری شنید و همنشین دائمی مسجد و

۵۳. ر.ک: *الذریعه*، ج۱، ص۳۱۵.

۵۴. ر.ک: همان.

۵۵. *معجم رجال الحدیث*، ج۱۶، ص۲۴۶.

۵۶. *مزار أمیر المؤمنین*، *مزار الحسین* و کتاب *الدعاء*.

۵۷. *الاقبال بالاعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة*، ج۲، ص۳۱۰.

۵۸. کان ثقة فی اصحابنا سمع و اکثر و عمر و علا اسناده (*رجال النجاشی*، ج۱، ص۱۲۲، ش۳۱۴).

قرآن بود.[۵۹]

(۷) عبد الله بن عمر بن خطاب الزیات؛ در بارهٔ عبد الله بن عمر بن خطاب زیات، اطّلاعات رجالی در دست نیست. تنها از سند صحیفه برمی‌آید که وی در سال ۲۶۵ق، صحیفه سجّادیه را برای جعفر بن محمّد حسنی روایت کرده است و خود صحیفه سجّادیه را از دایی‌اش علی بن نعمان شنیده است.[۶۰]

او در سال ۲۵۵ق، حدیث مفصلّی را از حارث بن محمّد تمیمی با سند متصل از عایشه نقل می‌کند که جبرییل، خبر شهادت امام حسین ـ علیه السلام ـ را به پیامبر ـ صلی الله علیه و آله ـ داده است.[۶۱] سیّد بن طاووس هم به هنگام نقل دعای عصر روز جمعه[۶۲] روایتی را می‌آورد که در سلسلهٔ سند آن عبد الله بن عمر بن خطاب، از دایی‌اش علی بن نعمان روایت کرده است.

(۸) علی بن نعمان الاعلم؛ ابو الحسن علی بن نعمان اعلمی کوفی و از راویان امام رضا ـ علیه السلام ـ و دارای کتاب است.[۶۳] او را با الفاظ ثقة، وجه، ثبت و صحیح و واضح الطریقه ستوده‌اند.[۶۴]

(۹) عمیر بن متوکّل؛ در بارهٔ عمیر بن متوکّل و پدرش متوکل بن هارون، توثیق صریحی نرسیده است. چگونگی گزارش شیخ نجاشی و شیخ طوسی از او باعث پدید آمدن نظریه‌هایی شده است. ما در این‌جا عبارت نجاشی و شیخ طوسی را می‌آوریم و سپس تحلیل برگزیده را ارائه می‌دهیم.

نجاشی در *رجال النجاشی* می‌نویسد:

> **متوکل بن عمیر بن المتوکل روی عن یحیی بن زید دعاء الصحیفة. أخبرنا الحسین بن عبید الله عن ابن أخی طاهر، عن محمّد بن مطهر، عن أبیه، عن عمیر بن المتوکل، عن أبیه المتوکل، عن یحیی بن زید بالدعاء.**[۶۵]

شیخ طوسی در *الفهرست* می‌نویسد:

---

۵۹. *الصحیفة السجادیة الجامعه*، ص۶۱۷، به نقل از: *مرآة الزمان* سبط ابن جوزی.

۶۰. *الصحیفة السجّادیة*، ص۳.

۶۱. *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، ص۱۸۷.

۶۲. *جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع*، ص۲۶۲.

۶۳. *رجال النجاشی*، ص۲۷۴، ش۷۱۹، *الفهرست* (طوسی)، ص۲۸۲، ش۴۱۶.

۶۴. *رجال النجاشی*، ص۲۷۴، ش۷۱۹.

۶۵. همان، ج۱، ص۴۲۶، ش۱۱۴۴.

المتوكل بن عمير بن المتوكل روى عن يحيى بن زيد بن علي ـ عليه السلام ـ دعاء الصحيفة. أخبرنا جماعة عن التلعكبري، عن أبي محمّد (الحسن يعرف بـ) ابن أخي طاهر، عن محمّد بن مطهر، عن أبيه، عن عمير بن المتوكل، عن أبيه، عن يحيى بن زيد. و أخبرنا ابن عبدون، عن أبي بكر الدوري، عن ابن أخي طاهر أبي محمّد، عن محمّد بن مطهر.[۶۶]

آنچه در اسناد صحیفۀ سجّادیه آمده است، عمیر بن متوکل، از پدرش متوکل بن هارون، از یحیی بن زید، صحیفه را روایت می‌کند؛ ولی بنا بر گزارش نجاشی و طوسی، راوی صحیفه از یحیی بن زید، متوکل بن عمیر بن متوکل است.

تفاوت ابتدایی و ظاهری میان آغاز عبارات نجاشی و شیخ طوسی با انتهای عبارات آنان از دید پژوهشگران پنهان نمانده است. از این روی، چندین راه‌حل ارائه کرده‌اند.[۶۷]

آنچه از میان راه‌حل‌های ارائه شده پسندیده‌تر است، جای‌گزینی نام جدّ به جای نام پدر است که در گذشته مرسوم بوده است. در نتیجه، سندِ کاملِ متوکل بن عمیر بن متوکل، عن یحیی بن زید را باید چنین بازسازی کرد: «متوکل بن عمیر بن متوکل بن عمیر بن متوکل بن هارون». در حقیقت نامِ پدر هارون ـ که پدر متوکل بوده است ـ حذف شده است و متوکل به اسم جدّ آمده است و از سویی، متوکل بن هارون بن عمیر بن المتوکل، فرزندی به نام عمیر دارد. اکنون می‌توان سند را چنین بازسازی کرد: «عمیر بن متوکل، عن متوکل بن عمیر بن متوکل بن هارون».

(۱۰) متوکل بن هارون؛ دربارۀ متوکل بن هارون، تنها می‌دانیم که او صحیفۀ سجّادیه را از یحیی بن زید نقل کرده است و دیدار او با امام صادق ـ علیه السلام ـ در همین سند آمده است، امّا در کتاب‌های رجالی نامی از وی در زمرۀ شاگردان امام صادق ـ علیه السلام ـ نیامده است.

برخی از پژوهشگران، بر این باورند که متوکّل لقب عمر بن هارون است و عمر بن هارون از شاگردان امام صادق ـ علیه السلام ـ است.[۶۸ و ۶۹]

این تصحیف را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا عون بن جریر از عمر بن هارون روایت می‌کند،

۶۶. *الفهرست* (طوسی)، ص۴۷۷، ش۷۶۹.

۶۷. *روضة المتقین*، ج۱۴، ص۴۱۸؛ *معجم الرجال الحدیث*، ج۱۴، ص۱۷۷، ش۹۸۴۶؛ *قاموس الرجال*، ج۸، ص۲۶۳، ش۵۷۱۶؛ *دراسة حول الصحیفة*، ص۱۷۷.

۶۸. در چاپ‌های قدیمی نجاشی «متوکل بن عمر بن متوکل»، به جای «متوکل بن عمیر بن متوکل» آمده بود. شاید منشأ این نظریه اعتماد به همان چاپ غیر مصحّح باشد.

۶۹. *دراسة حول الصحیفة*، ص۱۳۸.

درحالی‌که در سند صحیفه از متوکل، فرزندش عمیر روایت می‌کند.[70] و از سوی دیگر، تصحیف به اعرف و اشهر امکان دارد و نام عمر مشهورتر و معروف‌تر از لقب متوکل و یا عمیر است. بنا بر این، امکان دارد که متوکل و یا عمیر به عمر تبدیل شود، ولی اثبات عکس آن نیازمند دلایل فراوانی است.

(۱۱) یحیی بن زید؛ یحیی بن زید، فرزند زید بن علی ـ علیه السلام ـ پس از شهادت پدر قیام کرد و در سال ۱۲۵ق، در سنّ هیجده‌سالگی[71] به شهادت رسید.[72]

یحیی را از راویان امام صادق[73] و امام کاظم[74] ـ علیهما السلام ـ برشمرده‌اند. رجالیان او را به صراحت توثیق نکرده‌اند، امّا در بخش اوّل رجال ابن داود نام وی آمده است.[75] از این روی، مدح اجمالی وی فهمیده می‌شود؛ هر چند برخی بزرگان معتقد بودند که وی از امام صادق ـ علیه السلام ـ تبعیت نکرد.[76]

در جدول زیر خلاصه‌ای از اوصاف اشخاص ذکر شده در سند صحیفه کامله سجادیه را ملاحظه می‌کنید:

	راوی	وصف	وصف کننده
۱	ابن سکون حلی	فاضل، صالح	شیخ حر عاملی
۲	عمید الرؤساء	فاضل، جلیل، محقق، بارع، ضابط	شهید ثانی
۳	بهاء الشرف	نام وی در کتاب‌های رجالی نیست	-------
۴	محمد بن احمد بن شهریار	امین، خازن	مشهدی المزار
		فقیه صالح	منتجب الدین
۵	محمد بن احمد عکبری معدل	صدوق	ابن اثیر، خطیب بغدادی
۶	ابو المفضل شیبانی	حسن الحفظ، کثیر الروایة	شیخ طوسی
		سافر فی طلب الحدیث عمره	شیخ نجاشی
		کان فی اول امره ثبتا ثم خلط	شیخ نجاشی
		وضع حدیث	ابن غضائری

۷۰. البته مانعی نیست که راویان متعددی از یک شخص روایت کنند، ولی برای ارائهٔ نظریه جدید باید قراین مختلف، از جمله اشتراک راوی و مشایخ در نظر گرفته شود.

۷۱. زرکلی، تولد او را در سال ۹۸ دانسته است که در آن صورت، سنّ یحیی در هنگام شهادت، ۲۷ سال بوده است (*الاعلام*، ج۸، ص۱۴۶).

۷۲. *عمدة الطالب*، ص۲۶۰؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک: *یحیی بن زید*.

۷۳. *رجال الطوسی*، ص۳۴۶، ش۵۱۶۹.

۷۴. همان، ص۳۲۰، ش۴۷۸۴.

۷۵. *رجال ابن داود*، ص۳۷۴، ش۱۶۷۱.

۷۶. *معجم الرجال الحدیث*، ج۲۰، ص۵۰، ش۱۳۵۰۱.

	راوی	وصف	وصف کننده
۷	جعفر بن محمد الحسنی	ثقة، کثیر الروایة، عالی السند	شیخ نجاشی
۸	عبدالله بن عمر بن خطاب الزیات	نام وی در کتاب‌های رجالی نیست	....
۹	علی بن نعمان الاعلم	ثقة، وجه، ثبت، صحیح، واضح الطریقه	شیخ نجاشی
۱۰	عمیر بن متوکّل	آمدن نام بدون وصف	شیخ طوسی و شیخ نجاشی
۱۱	متوکل بن هارون	نام وی در کتاب‌های رجالی نیست	....
۱۲	یحیی بن زید	راوی امام صادق و امام کاظم بدون وصف	شیخ طوسی

جمع‌بندی بررسی رجالی صحیفه سجّادیة

در ارزیابی رجالی، تمام شرایطی که در توثیق و یا عدم توثیق راوی نقش دارد، بررسی می‌شود. در ارزیابی رجالی معمولاً راوی انتقال دهنده میراث شفاهی است و از آنجا که سند صحیفهٔ سجّادیه، خبر واحد است، نیازمند بررسی تک تک راویان هستیم و بنا بر ارزیابی رجالی ـ همان گونه که در جدول فوق گذشت ـ نتایج زیر به دست آمد:

۱. سندِ تمامی روایات صحیفه به عمیر بن متوکل می‌رسد.[۷۷]

۲. ابن سکون حلی، عمید الرؤساء، محمد بن احمد بن شهریار، محمد بن احمد عکبری معدل، جعفر بن محمد الحسنی و علی بن نعمان الاعلم توثیق شده‌اند.

۳. نام متوکل بن هارون و عبدالله بن عمر بن خطاب زیات در کتب رجالی نیامده است و در اصطلاح «مهمل»[۷۸] است.

۴. نام یحیی بن زید و عمیر بن متوکل در کتاب‌های رجالی و فهرست بدون توصیف آمده است و در اصطلاح «مجهول»[۷۹] است.

۵. ابوالمفضل شیبانی دارای چندین مدح و نیز برخی وی را تضعیف و او را متهم به «وضع» کرده‌اند.

از مجموعهٔ آنچه گذشت، سندِ صحیفهٔ سجّادیه از دیدگاه رجالی ضعیف است.

۷۷. مگر آن که نسخه‌ای از روایت محمّد بن زید و امیر ماجد دشتکی یافت شود.

۷۸. *تنقیح المقال*، ج۱، ص۳۹۷.

۷۹. همان.

ارزیابی فهرستی

آنچه در صحیفه سجادیه مهم است، بررسی صحت انتقال میراث مکتوب است. ارزیابی فهرستی یعنی بررسی طریقی که راویان به کتاب دسترسی داشته‌اند و نقلِ همان کتاب را به راوی پس از خود اجازه داده‌اند. لازم به یادآوری است که فهرست، نزد محدثان شیعی مکمل کتاب‌های رجالی بوده است. فهرست‌نگار تنها به گزارش کتاب‌ها بسنده نمی‌کرد بلکه بیان حجیت کتاب و نسخه‌های آن را هم بیان می‌کرد.[۸۰] ارزش بررسی فهرستی، اطمینان به کتابی است که راوی نام آن را ذکر کرده است. در طریق فهرستی چگونگی انتقال کتاب به راوی پس از خود بررسی می‌شود. امتیاز این شیوه، آشکار شدن مقبولیت و یا مطرودیت کتاب در نزد مکتب‌ها و مذهب‌های گوناگون است. از سوی دیگر جایگاه علمی شاگرد و کتاب نیز آشکار می‌شود، زیرا استاد پس از اطمینان از دانش و امانت‌داریِ شاگردش اجازه می‌داد تا وی مطالب کتابش را نقل کند. ارزش کتاب نیز در طریق فهرستی به دست می‌آید. وجود نام کتاب در فهرستگان کهن و تکرار آن در سلسله اجازات روایی بیانگر اهمیت کتاب است. از سوی دیگر مبنای رجالی مهمی وجود دارد که در طرق به کتب، نیاز به بررسی سندی نیست.[۸۱] بنا بر این دست‌یابی به طریق فهرستی امکان اعتماد به محتوای کتاب را فراهم می‌آورد. برای نمونه کتاب کافی در مدرسهٔ حدیثی قم و مدرسهٔ حدیثی بغداد پذیرفته و در سلسله اجازات روایی فراوانی نام برده شده است. از همین روی اهمیت کتاب کافی با دیگر کتب حدیثی قابل مقایسه نیست. امّا کتاب‌های احمد بن محمّد بن خالد برقی، در مدرسهٔ حدیثی قم طرد شده است و در طرق روایی نیز پر تکرار نیست و از همین روی جایگاهی فروتر دارد. در بارهٔ صحیفهٔ سجّادیه نیز با نگاه فهرستی می‌توان سیر روایت‌های گوناگون از صحیفه را به دست آورد. اگر چه نمی‌توان از روایت‌های گوناگون صحیفه سجادیه، تواتر آن را به دست آورد ولی فراهم آوردن قرینه‌ها در اعتماد افزایی به متن صحیفه کامله سجادیه مدد می‌رساند.

اعتماد افزایی به متن صحیفه سجادیه کامله در پرتو قرینه‌ها

افزایش اعتماد به صحیفه سجادیه از طریق افزایش طریق به تمام دعاهای صحیفه

۸۰. «نگره‌های کتابشناختی در فهرست‌های نجاشی و طوسی»، ص۱۸۰.
۸۱ «منابع نعمانی در غیبت»، ص۳۸۲.

سجادیه مشهور و یا دست کم به بخشی از دعاهای آن، امکان پذیر است. در این قسمت قرینه‌های زیر راهگشا خواهند بود:

۱. سندهای متفاوت برای برخی دعاها: نخستین قرینه در اعتبارافزایی صحیفه کامله سجادیه، وجود برخی دعاهای صحیفه با سندی متفاوت در کتاب‌های کهن است. اگر چه گزارش یک دعا از صحیفه به معنای در اختیار داشتن تمامی صحیفه سجادیه نیست، ولی دست‌کم در خصوص دعاهایی که در منابع دیگر آمده است، به گونه تحویل سند می‌تواند اثر گذار باشد؛ برای نمونه، دعای ۴۹ صحیفهٔ سجّادیه را شیخ مفید در کتاب *الامالی*،[۸۲] طوسی در کتاب *الامالی*[۸۳] و سیّد بن طاوس در کتاب *مهج الدعوات*[۸۴] با سندی آورده‌اند که در هیچ‌یک از اسناد شناخته شدهٔ صحیفه وجود ندارد. سند مفید چنین است:

> **احمد بن محمّد بن الحسن بن الولید، از پدرش و او از محمّد بن الحسن الصفار، از احمد بن محمّد بن عیسی، از هارون بن مسلم، از مسعدة بن صدقه، از امام صادق علیه السلام.**[۸۵]

در این سند، مسعدة بن صدقه از امام صادق ـ علیه السلام ـ دعایی برای پیش‌آمدهای مهم، درخواست کرد. امام صادق ـ علیه السلام ـ نگاشته‌ای کهن (*صحیفهٔ عتیقه*) در اختیار او نهاد و به او فرمود که این را استنساخ کن که از آن جدّ من علی بن الحسین ـ علیهما السلام ـ است.

از بررسی این سند به دست می‌آید که دعای ۴۹ صحیفه از طریق مسعدة بن صدقة هم گزارش شده است. آیا می‌توان اطمینان داشت که شیخ مفید و یا ابن ولید به صحیفهٔ سجادیه‌ای دسترسی داشته‌اند که از طریق مسعدة بن صدقة در اختیار ایشان بوده است؟ خیر، چنین نیست و این نقل تنها به عنوان قرینه‌ای استوار بر وجود صحیفه و دعای ۴۹ آن به شمار می‌آید.

نمونهٔ دیگر، سند سیّد مرتضی زبیدی دانشمند قرن یازدهم و نویسندهٔ کتاب‌های *تاج العروس* و *اتحاف السادة المتقین* است. او دعای چهل و هفتم صحیفه را در دعاهای روز

---

۸۲. *الامالی المفید*، ص۲۳۹، ح۳، مجلس۲۹.

۸۳. *الامالی الطوسی*، ص۱۵، مجلس۱.

۸۴. *مهج الدعوات*، ص۱۵۸.

۸۵. *الامالی المفید*، ص۲۳۹، ح۳، مجلس۲۹.

عرفه با سند متصل از امام سجّاد ـ علیه السلام ـ نقل می‌کند. اگر چه برخی از عبارات او برداشت کرده‌اند که تمام صحیفه را در اختیار داشته است،[86] ولی به نظر می‌رسد که طریق او رجالی است. البته نقل همین سند، تأییدی بر وجود صحیفهٔ سجّادیه و اعتبار دعای ۴۷ است. سند زبیدی به فرزندان امام هادی ـ علیه السلام ـ می‌رسد و امام هادی ـ علیه السلام ـ از پدران بزرگوارش ـ علیهم‌السلام ـ، از امام سجّاد ـ علیه السلام ـ نقل کرده است. شاید این نکته قرینه‌ای باشد که صحیفه سجادیه به عنوان میراثی ارزشمند در خاندان اهل‌بیت ـ علیهم‌السلام ـ دست به دست شده است.

۲. *طریق زیدیه*: دومین قرینه‌ای که اعتماد ما را به کتاب صحیفه سجادیه مشهور افزایش می‌دهد، طریق زیدیه به صحیفه سجادیه است. در این طریق، صحیفه سجادیه از طریق محمد بن زید گزارش شده است. متأسفانه تا کنون نسخه‌ای از این صحیفه منتشر نشده است تا دعاهای آن با متن صحیفه کامله سجادیه تطبیق داده شود، ولی در اجازات روایی سندی متفاوت از سند صحیفه مشهور دارد. امیر ماجد حسینی دشتکی، از مشایخ قرن یازدهم، با سند متّصل خود، این صحیفه را برای ملّا محمّد شفیع رشتی (برادر ملّا رفیعا) نقل کرده است. امیر ماجد در اجازهٔ نقل صحیفه به ملّا شفیع می‌نویسد:

> صحیفه کامله ـ که در میان نگاشته‌های اسلامی به انجیل اهل بیت و زبور آل محمّد شناخته شده است ـ به امام مؤیّد به عصمت، برفراز آورندهٔ معالم حکم و حکمت، حجّت خدا بر بندگان... علی بن الحسین زین العابدین ـ علیه السلام ـ منسوب است... اتصال سند آن به پدیدآورنده‌اش ـ که پدیدآورندهٔ فصاحت و مظهر آن است ـ... چنان مشهور است که ما را از آوردن سلسلهٔ سند و اسناد بی‌نیاز می‌کند و از حدّ تواتر افزون است.[87]

و آن‌گاه به خاطر تبرک و شیوهٔ رایج محدّثان سند خویش را چنین ذکر می‌کند:

> **إنی أرویها عن والدی السید السند العلامة الثقة الحجة الفهامة الجامع بین الحکمتین جمال الدین محمد بن عبد الحسین الحسینی الدشتکی، عن عمه السید معز الدین محمد بن السید الفاضل المحقق المدقق نظام الدین أحمد صاحب التصنیفات الفائقة و التعلیقات الرائقة، عن أبیه السید نظام الدین أحمد المذکور عن أبیه معز الدین إبراهیم، عن أبیه سلام الله، عن أبیه عماد الدین مسعود، عن أبیه صدر الدین محمد، عن أبیه**

۸۶. ر.ک: *صحیفهٔ سجّادیه*، به روایت حسین بن اشکیب، ص۲۵.

۸۷. *بحار الانوار*، ج۱۱۰، ص۹۵.

غیاث الدین منصور، عن أبیه صدر الدین محمد، عن أبیه إبراهیم، عن أبیه محمد، عن أبیه إسحاق، عن أبیه علی، عن أبیه عربشاه، عن أبیه أمیر أنبه، عن أبیه أمیری، عن أبیه الحسن، عن أبیه الحسین، عن أبیه علی، عن أبیه زید، عن أبیه علی، عن أبیه محمد، عن أبیه علی، عن أبیه جعفر، عن أبیه أحمد، عن أبیه جعفر، عن أبیه محمد، عن أبیه زید، عن أبیه الإمام علی بن الحسین زین العابدین علیه و علی آبائه التحیة و السلام.[۸۸]

۳. *روایت‌های شش گانه*: قرینه سومی که متن صحیفه مشهور را تقویت می‌کند، روایت‌های شش گانه‌ای است که از عمیر بن متوکل نقل شده است. اگر چه عمیر بن متوکل از منظر رجالی به خاطر عدم وصف رجالیان، مجهول شناخته می‌شود، ولی شش راوی به نام‌های: احمد المطهر «مطهری»، علی بن النعمان الاعلم «اعلمی»، محمّد بن صالح روایت «ابن مالک»، عبید الله بن فضل«ابن فضل»، حسین بن اشکیب، روایت «ابن اشکیب»، علی بن حماد بن العلاء، روایت ابن حماد صحیفه سجادیه را گزارش کرده‌اند که تنها روایت ابن حماد در دسترس نیست و با مقایسه تطبیقی دعاهای صحیفه سجادیه کامله با سایر روایات، همگونی دعاهای مشترک نمایان است. پراکندگی جغرافیایی هر یک از این راویان بیان‌گر انتشار صحیفه سجادیه در سراسر جهان اسلام بوده است؛ به گونه‌ای که روایت ابن حماد در اجازات روایی عالمان جبل عامل[۸۹] آمده است. روایت عبید الله بن الفضل در سرزمین مصر بیشتر طرفدار داشته است؛[۹۰] افزون بر آن که عبید الله در طبقه مشایخ بدون واسطه جعفر بن محمد قولویه صاحب *کامل الزیارات* هم قرار دارد.[۹۱] تلعکبری هم در سال ۳۴۱ ق، در مصر از او روایت شنید.[۹۲] حسین بن اشکیب از راویان قمی الاصل و از شاگردان امام هادی[۹۳] و امام حسن عسکری ـ علیهما السلام ـ[۹۴] یکی دیگر از روایت‌گران صحیفه از عمیر بن متوکل است که رجالیان وی را با وصف «ثقة ثقة ثبت» ستوده‌اند.[۹۵] نام وی در فهرست کهن نجاشی آمده

۸۸. همان، ص۹۶.

۸۹. همان، ج ۱۰۹، ص۱۰۵.

۹۰. *صحیفه سجادیه روایت حسین بن اشکیب*، مقدمه سید احمد سجادی، ص۴۴.

۹۱. *کامل الزیارات*، ص۱۳۳، ح۱۰.

۹۲. *رجال الطوسی*، ص۴۳۱، ش ۶۱۸۵.

۹۳. *رجال النجاشی*، ج۱، ص۴۴، ش۸۸؛ *رجال الطوسی*، ص۳۸۶، ش۵۶۸۱.

۹۴. *رجال الطوسی*، ص۳۹۸، ش۵۸۳۸.

۹۵. *رجال النجاشی*، ج۱، ص۴۴، ش۸۸.

است[96] و کشی هم در رجال خود، احادیثی را از حسین بن اشکیب آورده است؛[97] اما در هیچ کدام از فهرستگان کهن به روایت صحیفه سجادیه ابن اشکیب اشاره نشده است و گویا نخستین کسی که از روایت ابن اشکیب خبر داده است. میرزا عبد الله افندی کتاب‌شناس قرن دوازدهم است که نسخه‌ای کهن از صحیفه، به روایت محمّد بن وارث از حسین بن اشکیب و به خط ابن مقله را مشاهده کرده است.[98 و 99]

اگر چه روایت ابن اشکیب در میان محدثان و فقها ناشناخته بود و از توجّه آنان به این روایت موردی ملاحظه نشد، ولی ارجاعاتی در کلام عالمان وجود دارد که بیان‌گر استفاده از صحیفه سجادیه به روایت ابن اشکیب است؛ برای نمونه در روایت ابن اشکیب، دعای ۴۴ با عنوان «فی الصلوة علی آدم ﷺ»[100] است که در روایت مشهور نیست. مرحوم مجلسی در ابواب «زیارة امیر المؤمنین علی بن أبی طالب ﷺ» به خواندن دعایی که در برخی نسخه‌های صحیفهٔ سجّادیه از امام سجّاد ـ علیه السلام ـ روایت شده است، سفارش می‌کند. او همین دعا را آورده است.[101]

نمونه دیگر، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، از دانشوران سنّی قرن سیزدهم، گزیده‌ای از دعاهای صحیفهٔ سجّادیه را در کتاب معروفش، *ینابیع المودّة لذوی القربی* گزارش کرده است. وی نیز همین دعا را با عنوان دعای صحیفهٔ سجّادیه آورده است.[102]

روایت ابن مالک ـ که همان نقل محمد بن صالح از عمیر بن متوکل است ـ هم بر اتقان اسناد صحیفه افزوده است؛ چرا که صحیفه سجادیه ابن مالک را، ابو علی محمّد بن همّام (م۳۳۲ق) ـ که از مشایخ جلیل القدر و ثقة و صاحب منزلت بوده ـ روایت کرده است.[103] از آن‌جا که ابن همام شخصیت سرشناس و حدیث‌شناس بزرگی بوده است، روایتِ ابن

۹۶. همان.

۹۷. *اختیار معرفة الرجال* (*رجال الکشی*)، ج۱، ص۲۱ و ص۴۰ و ص۱۲۰ و ص۱۷۱، و ص۱۹۰ و ص۳۰۶ و ص۳۷۰ و ص۳۷۶.

۹۸. *صحیفه سجادیه روایت حسین بن اشکیب*، ص۵۰، به نقل از *الصحیفة الثالثة*، ص۱۱.

۹۹ . برای اطلاع بیشتر ر.ک: *صحیفه سجادیه روایت ابن اشکیب*، که به همت صحیفه‌پژوه معاصر حجّة الاسلام و المسلمین سیّد احمد سجّادی، مدیر مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان در سال ۱۳۸۳ش، به چاپ رسید. مقدمهٔ مفصل و تحقیقی در آغاز و تصویر تمامی صفحات نسخهٔ خطی در پایان آمده است.

۱۰۰. *صحیفه سجادیه روایت حسین بن اشکیب*، ص۱۸۵، دعای ۴۴.

۱۰۱. *بحار الانوار*، ج۱۰۰، ص۲۹۲.

۱۰۲. *ینابیع المودّة لذوی القربی*، ج۳، ص۴۲۷.

۱۰۳ . *رجال الطوسی*، ص۴۳۴، ش ۶۲۱۰.

مالک را هم ارزشمند می‌کند. اهمیت دیگر روایت ابن مالک، نسخه‌ای قدیمی است که در سال ۴۱۶ق، تحریر شده است و به طریق وجاده در نوسازی‌های آستان قدس در سال ۱۳۴۸ش، یافت و با تصحیح مرحوم شانه چی منتشر شد.[۱۰۴] البته از روایت ابن مالک، تصحیح دیگری هم به وسیله آقای سیّد جواد حسینی جلالی منتشر شد[۱۰۵] که تاریخ نگارش آن نامعلوم است؛ هر چند محقق کتاب تاریخ نگارش را در زمان شهید ثانی احتمال داده است.[۱۰۶]

در باره روایت علی بن نعمان اعلم پیش از این سخن گفتیم. شخصیت دیگری که شیبانی از روایت وی نام می‌برد و عناوین دعاها را از او نقل می‌کند، احمد بن مسلم مطهّری[۱۰۷] است که از عمیر بن متوکل صحیفه را نقل می‌کند. ویژگی روایت ابن مطهّر، طریق نجاشی و شیخ طوسی به اوست. نجاشی وقتی از «دعاء الصحيفة» یاد می‌کند، می‌نویسد:

> حسین بن عبید الله از ابن اخی طاهر، از محمّد بن مطهّر، از پدرش، از عمیر بن متوکل، از پدرش متوکل، از یحیی بن زید به این دعا ما را خبر داد.[۱۰۸]

شیخ طوسی هم طریق خود به صحیفه را چنین نوشت:

> گروهی از تلعکبری از ابی محمّد معروف به ابن اخی طاهر، از محمّد بن مطهّر، از پدرش، از عمیر بن متوکل، از پدرش، از یحیی بن زید ما را به این دعا آگاه کردند و نیز ابن عبدون از ابی بکر دوری، از ابن اخی طاهر ـ أبی محمّد ـ از محمّد بن مطهّر به ما خبر داد.[۱۰۹]

اگر چه شخصیت محمّد بن احمد بن مسلم مطهّر و پدرش احمد بن مطهر برای ما ناشناخته است، ولی نجاشی از یک طریق و شیخ طوسی از دو طریق به صحیفهٔ سجّادیهٔ او دسترسی داشته‌اند. افزون بر ایشان، از گفتهٔ خزاز قمی، دانشمند قرن چهارم، برمی‌آید که

---

۱۰۴. *الصحیفة السجّادیة*، تحقیق: کاظم مدیر شانه‌چی، ص۳۸ ؛ «صحیفه سجادیه به روایت ابن مالک»، ص۷۵.

۱۰۵. عنوان کتاب: *الصحیفة السجّادیة روایة أبی علی محمّد بن همّام بن سهیل الاسکافی عن علی بن مالک*، عن الامام زین العابدین، تقدیم السیّد محمّد حسین حسینی جلالی، تحقیق: محمّد جواد حسینی جلالی.

۱۰۶. «زبور آل محمّد در گذر تاریخ»، ص۶۶.

۱۰۷. این روایت به روایت ابن مطهّر و یا روایت مطهری مشهور است.

۱۰۸. *رجال النجاشی*، ج۱، ص۴۲۶، ش ۱۱۴۴.

۱۰۹. *الفهرست* (طوسی)، ص۴۷۷، ش۷۶۹.

به صحیفۀ ابن مطهر دسترسی داشته است.[110] ابن شاذان قمی،[111] شاگرد شیخ صدوق نیز دعای سوم صحیفه[112] را از طریق ابن مطهّر نقل کرده است.[113] بنا بر این، طریق ابن مطهّر، تا اندازه‌ای اطمینان‌آورتر از سایر راه‌هاست

۴. *تیمن و تبرک بودن طریق*: چهارمین قرینه بر اعتبار صحیفه سجادیه، شهرت کتاب صحیفه سجادیه است. در این صورت، اسامی موجود در طریق کتاب، تنها بیان‌گر مسند بودن طریق است و نیازی به بررسی راویان موجود در طریق نیست. این نظریه را نخستین بار مرحوم ملا محمد تقی مجلسی بیان کرده است. وی بر این باور بود که طرق تحمّل حدیث در نقل خبر به کتب غیر متواتر و غیر مشهور اختصاص داشته است. بنا بر این، نقل طرق در کتب متواتر نظیر کتب اربعه حدیثی و کتب مشهور در نزد ائمه ثلاثه (کلینی، صدوق و طوسی) موضوعیتی ندارد و ابداع شیخ صدوق در بازسازی مشیخه تنها برای تیمن و تبرک بوده است.[114] آیة الله بروجردی نیز نظریه تیمن و تبرک را پذیرفته‌اند و افزون بر آن، معتقد بودند که دلیل آوردن «مشیخه» به وسیله شیخ صدوق و شیخ طوسی از آن روست که به خواننده اعلام کنند که احادیث مسند است و به گونه مرسل نقل نشده است؛ زیرا انتساب کتاب‌ها به نویسندگانش ثابت شده بوده و نیاز به بیان اسناد نبوده است.[115]

با توجه به این نظریه بعید نیست که ذکر سند در ابتدای صحیفه سجادیه هم از باب تیمن و تبرک بوده باشد تا خواننده صحیفه در قرن ششم دریابد که با کتابی رو به رو است که از زمان صدورش، اهتمام به انتقال دست به دست آن بوده است. اگر چه شهرت صحیفه مانند کتب اربعه نیست؛ ولی ذکر آن در کتاب‌های فهرستی و نیز تعبیر من ادعیة الصحیفه در کتاب *مصباح المتهجد* شیخ طوسی تا اندازه‌ای شهرت صحیفه نزد عالمان را نشان می‌دهد.

۵. *فراوانی اعتماد عالمان به صحیفه کامله*: پنجمین قرینه‌ای که اعتماد به صحیفه سجادیه کامله را افزایش می‌دهد، فراوانی عالمان بزرگی است که به روایت ابو المفضل

---

۱۱۰. *کفایة الاثر*، ص۳۰۶.

۱۱۱. ابو الحسن محمّد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قمی.

۱۱۲. فی الصلوة علی حملة العرش و کل ملک مقرّب.

۱۱۳. *بحار الانوار*، ج۵۹، ص۲۱۷، ح۸۵.

۱۱۴. *روضة المتقین*، ج۱، ص۲۹.

۱۱۵. *کلیات فی علم الرجال*، ص۳۹۳.

شیبانی، مجمع الاسانید صحیفه، اعتماد کرده‌اند، بزرگانی مانند شیخ مفید، تلعکبری، حسین بن عبید الله غضایری، معدل و... صحیفه را از وی نقل کرده‌اند. این نکته مهم هم بر اتقان صحیفه خواهد افزود که نگاه فهرستی و گزارش صحیفه سجادیه به وسیله شیخ نجاشی و شیخ طوسی قرینه‌ای بر پذیرش روایت ابو المفضل شیبانی است. از مقدمه کوتاه نجاشی و شیوه وی در کتابش می‌توان برداشت کرد که چنانچه وی کتابی را برای مؤلفی نام ببرد و در انتساب آن خدشه‌ای وارد نکند، کتاب را معلوم الانتساب دانسته است و طریق آن را هم درست می‌داند؛ چرا که نجاشی در مقدمه کتابش تصریح کرده است که درصدد نشان دادن میراث مکتوب سلف است[116] و روش وی تنها گزارش کتاب‌ها نیست، بلکه به ارزیابی آنها پرداخته است.[117] از سوی دیگر، عباراتی در کتاب‌های رجالی وجود دارد که بیان‌گر تفکیک میان شأن میراث‌بانی و شأن راوی است. کشی به نقل از عیاشی مطلبی را آورده است که عیاشی، با این که ابو یعقوب اسحاق بن محمد البصری را غالی، کبوترباز و جاعل حدیث می‌دانسته، اما به بغداد سفر کرده تا از روی کتاب‌های وی نسخه برداری کند. ابو یعقوب ابتدا کتابی را از احادیث مفضل بن عمر در موضوع تفویض در اختیار عیاشی قرار می‌دهد که وی آن را نمی‌پذیرد و پس از آن نسخه‌ای دیگر از احادیث را به عیاشی می‌دهد که برگرفته از نوشته‌های ثقات بوده است.[118] نمونه دیگر، ابن غضایری، احمد بن هلال عبرتایی را تضعیف کرده است، ولی روایاتی را از او می‌پذیرد که در دو کتاب مشیخه حسن بن محبوب و نوادر ابن ابی عمیر نقل شده باشد؛ زیرا که بسیاری از عالمان به این دو کتاب اعتماد کرده‌اند.

بنا بر این، ضعف ابو المفضل شیبانی به خاطر نقل عالمان حدیث‌شناس از وی و طریق شیخ طوسی و نجاشی به صحیفه سجادیه‌ای که او گزارش کرده است، تا اندازه‌ای جبران می‌شود.

روایت مشهور ـ که از ابو المفضل شیبانی رسیده است ـ در میان فقها و محدثان، جایگاه شناخته شده‌ای دارد. افزون بر عالمانی مانند مفید ـ که صحیفه او را روایت کرده‌اند ـ، عالمان بزرگی مانند شهید اوّل، شهید ثانی، میرداماد، شیخ بهایی، محمّد تقی مجلسی، محمّد باقر مجلسی و... بر پاسداشت نسخه مشهور همت

---

۱۱۶. *رجال النجاشی*، ص۳.

۱۱۷. ر.ک: «نگره‌های کتابشناسی در فهرست‌های طوسی و نجاشی»، ص۱۸۱.

۱۱۸. *رجال الکشی*، ص۵۳۱.

گماردند.[119] بنا بر این، می‌توان گفت جایگاه صحیفۀ مشهور با نسخه‌های دیگر صحیفه بسیار متمایز است.

مجموعه روایت‌های صحیفه، برای جبران ضعف سند صحیفه کافی است و تفاوت نسخه‌ها با وجود پراکندگی جغرافیایی متون یافت شده از مصر، جبل عامل، استانبول و خراسان، از نظر متنی تفاوت معناداری ندارند؛ هر چند تعداد ادعیه در آنها یکسان نیست.

نتیجه

۱. صحیفه سجادیه از دیدگاه رجالی در زمره خبر آحاد قرار دارد و به دلیل وجود متوکل بن هارون، عمیر بن متوکل و ابی المفضل شیبانی، سند آن ضعیف است

۲. نگاه فهرستی در اعتماد به میراث مکتوب باید جایگزین نگاه رجالی شود. در این صورت، وجود راوی در سلسله سند تنها بیان‌گر مسند بودن میراث مکتوب است و نام بردن از راویان کتاب‌های مشهور برای تیمن و تبرک و نیز ارج نهادن به تلاش کسانی است که میراث مکتوب را پاسداری کرده و به نسل پس از خود منتقل کردند. چنین نگاهی با توجه به قرینه‌های متعدد، سبب افزایش اعتبار صحیفه کامله سجادیه خواهد شد.

۳. روایت‌های پنج‌گانه موجود از صحیفه سجادیه و تطبیق دعاهای آنها ـ که از نظر متن همانند یکدیگرند ـ قرینه مهمی برای اعتماد به صحیفه کامله سجادیه است؛ به ویژه پراکندگی روایات صحیفه سجادیه در پهنه جغرافیایی و میراث حدیثی لبنان، مصر، استانبول و خراسان بر درستی روایات صحیفه سجادیه حکایت دارد.

۴. فقیهان بزرگ و عالمان استوار اندیش بر روایت ابو المفضل شیبانی بیشتر اعتماد کرده‌اند. بنا بر این، روایت وی از سایر روایت‌های موجود، برتر است

۵. روایت‌های دیگر صحیفه نیز با قرینه‌هایی نظیر گزارش دعاهایشان در میراث حدیثی شیعه و سنی همراه‌اند. از این رو، دعاهای مشترک در تمامی روایت‌های صحیفه سجادیه از اهمیت بیشتری برخوردارند.

۶. با توجه به شیوه نجاشی در گزارش کتاب‌ها، صحیفه سجادیه معلوم الانتساب است و طریق آن هم صحیح است.

۱۱۹. «*عالمان صحیفه نگار*»، سفینه ۷.

کتابنامه

- *اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سیّد مهدی رجائی، قم: مؤسسة آل البیت، ۱۴۰۴ق.
- *الاعلام*، خیرالدین زرکلی، بیروت: دار الملایین.
- *الاقبال بالاعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة*، رضی الدین علی بن موسی بن جعفر ابن طاووس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- *الامالی*، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- *الامالی*، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق: حسین استاد ولی، علی اکبرغفاری، بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- *أمل الآمل*، محمّد بن حسن حر عاملی، تحقیق: احمد الحسینی، بغداد: مکتبه الاندلس، ۱۳۸۵ق.
- *بحار الانوار*، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
- *بغیة الوعاة*، سیوطی.
- *تاریخ بغداد او مدینة السلام*، احمد بن علی خطیب بغدادی، مدینه: المکتبة السلفیة.
- *التحصین*، سیّد علی بن موسی بن طاووس، تحقیق: الانصاری، قم: دار الکتاب.
- *تنقیح المقال*، عبدالله مامقانی، نجف اشرف: المطبعة المرتضویة.
- *جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع*، علی بن موسی بن جعفر سیّد بن طاووس، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة الآفاق ۱۳۷۱ش.
- *خاتمة المستدرک*، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ق.
- *دراسات فی علم الدرایة* (تلخیص مقباس الهدایة)، علی اکبر غفاری، تهران: جامعة الامام الصادق، ۱۳۶۹ق.
- *دراسة حول الصحیفة*، محمّد حسین حسینی جلالی، بیروت: الاعلمی، ۱۴۲۱ق.
- *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، آقا بزرگ تهرانی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
- *الرجال*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- *الرجال*، احمدبن الحسین ابن الغضائری، تحقیق: حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- *الرجال*، حسین بن علی، ابن داود قم: منشورات الرضی.

- *رجال النجاشی*، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: محمد جواد النائینی، بیروت: دار الاضواء.
- *الرسائل الرجالیة*، محمد بن محمد ابراهیم کلباسی، تحقیق: محمد حسین درایتی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- *الرعایة فی علم الدرایة*، زین الدین بن علی شهید ثانی، تحقیق: مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیة، قم: بوستان کتاب، اول،۱۴۲۳ق.
- *روضة المتقین*، محمّد تقی مجلسی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی.
- *ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیّد السّاجدین، سیّد علیخان مدنی شیرازی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.*
- *ریاض العلماء*، عبدالله بن عیسی بیگ افندی، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مکتبة آیة الله المرعشی.
- *شرح الصحیفه*، محمد باقر میرداماد، تحقیق: مهدی رجایی، اصفهان: مهدیه المیرداماد.
- *الصحیفة السجّادیة*، علی بن الحسین، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
- *الصحیفة السجادیّة الجامعة*، سیّد محمّد باقر أبطحی اصفهانی، قم: مؤسسة الانصاریان، ۱۴۱۱ق.
- *الصحیفة السجّادیة روایة أبی علی محمّد بن همّام بن سهیل الاسکافی عن علی بن مالک*، عن الامام زین العابدین، تقدیم: السیّد محمّد حسین حسینی جلالی، تحقیق: محمّد جواد حسینی جلالی.
- *الصحیفة السجّادیة*، تحقیق: کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
- *صحیفۀ سجّادیه*، به روایت حسین بن اشکیب، سیّد احمد سجادی، تحقیق: مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، قم: مؤسسة فرهنگی مطالعاتی الزهرا (س)، اول، ۱۳۸۳ش.
- *عمدة الطالب*، احمد بن علی ابن عنبة، تصحیح: محمّد حسن آل طالقانی، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
- *الفهرست*، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید جواد قیومی، قم: الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- *الفهرست*، منتجب الدین ابن بابویه تحقیق: سیّد جلال الدین محدّث ارموی، قم: مکتبة آیت الله مرعشی، ۱۳۶۶ش.

- *قاموس الرجال*، محمّد تقی تستری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- *کامل الزیارات*، جعفر بن محمّد ابن قولویه، تصحیح: جواد قیّومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق.
- *الکامل فی التاریخ*، محمد بن محمد بن عبدالکریم (ابن اثیر)، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- *کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر*، علی بن محمّد بن علی خزاز قمی، تحقیق: عبد اللطیف حسینی کوه‌کمره‌ای، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
- *کلیات فی علم الرجال*، جعفر سبحانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- *المزار*، محمّد بن جعفر مشهدی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: نشر القیوم، ۱۴۱۹ق.
- *معالم العلماء*، ابن شهر آشوب، تحقیق: سیّد محمّد صادق آل بحر العلوم، قم: بی‌جا، بی‌تا.
- *معجم المؤلّفین*، عمر رضا کحالة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ق.
- *معجم رجال الحدیث*، ابو القاسم خوئی، قم: مدینه العلم، ۱۴۰۳ق.
- *معجم مصطلحات الرجال و الدرایة*، محمّد رضا جدیدی نژاد، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- *مهج الدعوات*، علی بن موسی ابن طاووس، تحقیق: حسین الاعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۱۴ق.
- *مناقب آل ابی طالب*، ابن شهر آشوب، ۱۴۰۸ق.
- *یحیی بن زید*، محمد قنبری، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ش.
- *ینابیع المودّة لذوی القربی*، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، تحقیق: سیّد علی جمال اشرف الحسینی، تهران: دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ق.
- «اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله»، منصور پهلوان، *فصلنامه علوم حدیث*، پیاپی ۱۲، ۱۳۷۸ش.
- «صحیفه سجادیه به روایت ابن مالک»، *فصلنامه علوم حدیث*، علی صدرایی خویی، پیاپی ۲۹، ۱۳۸۲ش.
- «منابع نعمانی در غیبت»، سید محمد جواد شبیری، *بازسازی متون کهن شیعه*، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۸ش.
- «نگره‌های کتابشناختی در فهرست‌های نجاشی و طوسی»، سید محمد عمادی حائری، *فصلنامه علوم حدیث*، پیاپی ۳۵ - ۳۶، تابستان ۱۳۸۲ش.